انجنیر سید مختار دریا

۲۸ جولای ۲۰۱۸

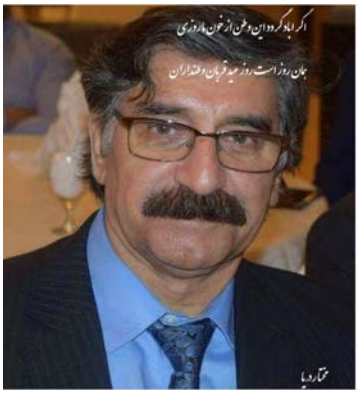

بی تــو

چه خاموش است اینجا شمع بـزم انجمن بی تو — به گلشن نغمه خوانی میکند زاغ و زغن بی تو
عبیـر زلــف مشکین تـرا بـاد صبـا دزدیــد — درید از فرقت تـو غنچه در گلشن یخن بی تو
نـوای بـلبـل از کـنــج خـراب آبـاد مــی آیـد — که بال وی شکست از سنگ طفلان درچمن بی تو
جگر سوز است داغ بیتـو بـودنهای عمر من — بهشتم شــد جهنـم از لهیـب ســوختـن بی تو
ازیـن تنهـائـی دور از تـو بـودن سخت دلتنگم — نـدارم محـرم رازی کـه تا گـویـم سخـن بی تو
خیال خاطـرت یکـدم پـریشـان کـرده احـوالم — ســراپـا آتشــم آهــم خـروشــم گلخنـم بی تو
پیـام خامهٔ دریـا به گوش مـرغ عشـق این بود — چـه درد آور بود هـر لحظه تنهـا زیستن بی تو

"مختار دریا" ۱۳ فبروری ۲۰۱۷ کانادا